

رقص در ایران

پیش از تاریخ

یحیی ذکاء
رئیس موزه مردم‌شناسی



مقاله‌ای که تحت این عنوان در این شماره از نظر خوانندگان
میگذرد متن کامل و تجدید نظر شده‌ی مقالی است که چندی پیش از جانب
نویسنده آن انتشار یافته بود و با اضافات و مطالب جدیدی در مجله موسیقی
عرضه میگردد.

رتال جامع علوم انسانی

انسان فطرتاً، بنا برغرایز طبیعی خود، هنگام احساس شادی و مسرت شدید، جنبش و حرکتی در اعضاء و جوارح خود حس کرده، بی اختیار بجهت وخیز میپردازد و فریادها و قهقهه‌های سرور و نشاط از ته دل بر می‌کشد. نه‌ما، نه نیاکان ما و نه آن انسانهای ابتدایی و وحشی که در بن غارها می‌زیستند، هیچگاه از این عکس‌العمل طبیعی و غریزی عاری نبوده‌ایم و بشر در همه حال و در هر سان بهنگام احساس خوشی و لذت شدید،

بجنبش و چرخش برخاسته است.

گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که اجتماع، همین جنبش‌ها و جست و خیزهای انفرادی ناشی از غرایز فطری را تبدیل بپایکویی و دست‌افشانیهای موزون دسته‌جمعی، و فریادهای ناشی از نشاط و سرور را تبدیل باواز و سرود کرده است.

گردآوری محصول و تهیه و بدست آوردن مواد غذایی همواره برای همه اجتماعات از تمدن و غیرتمدن از روزگاران بسیار پیش دارای اهمیت فراوانی بوده و هست، انسان‌های نخستین بنابه مقتضیات اقلیمی که در آن بسر میبرده‌اند، اعم از شکارچی و کشاورز، هنگامیکه شکار کلان و فریبی بچنگ می‌آوردند و یا از مزرعه خود محصول فراوانی برمیداشتند، آنچنان وجد و سرور بافراد قبیله و خانواده‌ها روی می‌آورد که همگی بی‌اختیار بچست و خیز برخاسته، دست بدست یکدیگر داده دایره‌وار بدور آنچه بدست آورده بودند بپایکویی میپرداختند، و در همین جست و خیزها و پایکوییهای همگانی بود که از يك نواختی حرکات آنان ضرب و وزن (ریتم) بوجود آمده، سپس دوباره خود برای اتحاد حرکات و موزونی آن بکار رفت.

ضرب و وزن را ابتدا با چیه‌زدن (کف‌زدن) و نواختن دستها به بدن و رانها و کوبیدن دوچوب بیکدیگر و بالاخره بازدن کنده‌های توخالی و طبل حفظ کرده، توالی و توازن حرکات را برقرار میساختند.

بدینسان با ایجاد ریتم، رقص شامل حرکات موزونی گردید که در آن قسمت-های مختلف بدن، هم آهنگ بایکدیگر، بجنبش و حرکت درآمده تمايلات و هیجانات مخصوصی را تعبیر و حالات روحی معینی را بیان میکردند، از اینرو رقص در میان ملل قدیم و جدید، معانی و صورت‌های مختلفی از: شهوانی، جنگی، مذهبی و تفریحی و ... بخود گرفته، کم و بیش در میان تمام اقوام جهان مراحل مزبور را طی کرده است.

در میان مردمان ابتدایی، دامنه حرکاتی که در رقص بکار گرفته میشد، بسیار وسیع بوده، بطوریکه تمام قسمت‌های بدن از: سروسینه و پشت و سرین و پاها و بازو ها و دستها و انگشتان و عضلات صورت و چشم و ابرو و مو، همه بیازی گرفته میشد و با وارد ساختن هر يك از آنان در رقص، منظور و معانی مخصوصی را اراده میکردند.

رقص و اجرای حرکات موزون در میان اجتماعات بدوی و نیمه تمدن محرك اعمال و حرکات دسته‌جمعی و بالنتیجه مولد هم آهنگی و وحدت عمل در میان افراد قبایل میگردد و چون همین وحدت در اعمال يك نوع وحدت معنوی را موجد میشد، از اینرو بسیار مطلوب بود و بخش مهمی از اوقات و فعالیت‌های آنها را فرامیگرفت،

چنانکه اغلب امورشان از عبادت خدایان و پرستش مقدسات قبیله و جشنها و تفریحات اجتماعی، توأم با رقص بود. « آنچه که امروزه بنظر ما بازی و تفریح بشمار می- رود برای انسان ابتدایی يك امر جدی بوده، آنها هنگامیکه برقص برمیخواستند تنها قصدشان خوشگذرانی نبوده بلکه میخواستند به طبیعت و خدایان چیزهای مفیدی بیاموزند یا تلقین کنند و بوسیله رقص طبیعت را بخواب مغناطیسی درآورده و بزمین دستور دهند تا حاصل خوبی بیار آورد. »

نتیجه آنکه چون رقص در واقع معنای وسیع تفریح و موجد سرور و لذت است پس در هر جا انسانی بوده، لذت و سروری وجود داشته، رقص نیز موجود بوده است و ما در ریشه و اساس تمدن هر قوم و ملتی، حتی وحشی ترین و ابتدایی ترین آنها، رقص را بانواع مختلف کشف میکنیم و میتوان گفت هیچ هنری نیست که بهتر و بیشتر از رقص خصایص قومی و اخلاقی مردم ابتدایی را جلوه گر سازد.

رقص در ایران پیش از تاریخ :

باتوجه بمطالب فوق بالطبع اقوامی که از هزاران سال پیش در سرزمین ایران نشیمن گرفته، مراحل مختلف تمدن و فرهنگ را پشت سر نهاده اند، هیچگاه از این هنر غریزی که بقول برخی از دانشمندان منشأ و اساس تمام هنرهاست عاری نبوده اند و خوشبختانه در آثاریکه از آن روزگاران برای ما باز مانده، دسته و گریخته نمونه هایی از انواع رقصهای دسته جمعی و انفرادی پیدا میشود که از نظر مطالعه تاریخیچه رقص در ایران بسیار گرانبهاست.

کهن ترین اثریکه ما را از وجود رقص در این مرز و بوم آگاہ میسازد، قطعه سفالی است که در تپه سیلک (Sialk) کاشان بدست آمده و تاریخ آنرا حدوداً و آخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد تعیین کرده اند (ش ۱).



ش ۱- قطعه سفالی از تپه سیلک کاشان

در روی این قطعه سفال که پیداست خود بخشی از یک ظرف بزرگ است، نقش چهار زن در حال اجرای رقص دسته جمعی نموده شده است. از حالت این گروه که اندکی از بسیارند، و طرز قرار گرفتن بازوان و بدنشان، و از توجهی که بیک سمت دارند پیداست که مشغول اجرای رقص مقدس مذهبی می- باشند و چون این نقش در دوران دور ظرف تکرار شده حلقه کاملی را تشکیل میداده



ش ۲- رقص گروهی از بومیان آفریقا بدورد رخت کهنسالی که مقدس شمرده میشود

است، بنا بر این نمودار یک رقص دایره واد است. اصولاً اجرای رقصهای دسته جمعی دایره و آن که در آن افراد قبیله پهلو پهلو یا دست بدست و یا بردیف پشت سر هم قرار گرفته حلقه‌یی تشکیل میدادند، خود گواه

بر اینست که رقص بمنظور تجلیل یا پرستش موضوعی قابل احترام و مطلوب از قبیله، آتش، بت، شکار، توده محصول و خرمن و درختان پربار و از اینگونه انجام می گرفته است (ش ۲ و ۳).



ش ۳- مجسمه رقص دسته بند بدورد رخت مکشوفی در فلسطین

راه رفتن و جست و خیز و دور زدن بوده، از تصاویر موجود ممکن و میسر نیست. (ش ۴)

برای مثال در سفال شماره ۱ از طرز ایستادن و قرار گرفتن بازوان و دستهای رقصندگان، چنین بدست میآید که هر یک از آنان دستهای دو نفر دیگر را در پهلو و پایین طوری گرفته است که کف دستها بر روی هم افتاده و احیاناً انگشتان دستها

بادقت در تصاویر این قطعه سفال و سفالهای دیگری که شرح یکایک آنها را بیان خواهیم کرد، چگونگی اجرای رقصها و طرز قرار گرفتن دستها و بازوان را تا اندازه‌یی میتوان دریافت ولی متأسفانه استنباط حرکت پاها که بدون شك توأم با



ش ۴

مانند شانه درلای یکدیگر فرورفته ، بدین ترتیب زنجیر و حلقه رقص بهم پیوسته است، و این طرز همانست که امروز هم عیناً در رقصهای دسته جمعی کردی مراعات میشود و چنانکه می بینیم پس از هزاران سال تغییری در آن راه نیافته است. روی قطعه سفال دیگری که آن نیز از هزارهٔ چهارم پیش از میلاد معرفی شده و از تپه سیلک کاشان بدست آمده است باز گروهی زن یا مرد یازن و مرد در حال اجرای رقص « دست بند » نقش شده اند (ش ۵).



ش ۵ - قطعه‌ی سفال از تپه سیلک کاشان

در این سفال چنانکه پیداست نوع و طرز دیگری از رقص نمایانده شده که در آن رقصندگان پهلو بپهلو ایستاده ، بازوان خود را از آرنج خم کرده، دست ها را بر روی دوش و کتف یکدیگر نهاده، بر رقص و پایکوبی مشغولند (ش ۶).



ش ۶

چون علامتی از خورشید و ستاره در میان تصویر اجرا کنندگان، نقش گردیده ، گمان میرود که رقص بعنوان پرستش و تقدیس خورشید - یعنی آن خدای روشنی ده گرما بخش که با قدم خود ظلمت و دهشت شب را از چشم و دل انسانها می زدود - در دشت و چمن انجام میگرفته است.

نمونه دیگری از همین نوع رقص را بر روی قطعه سفال دیگری (ش ۷)

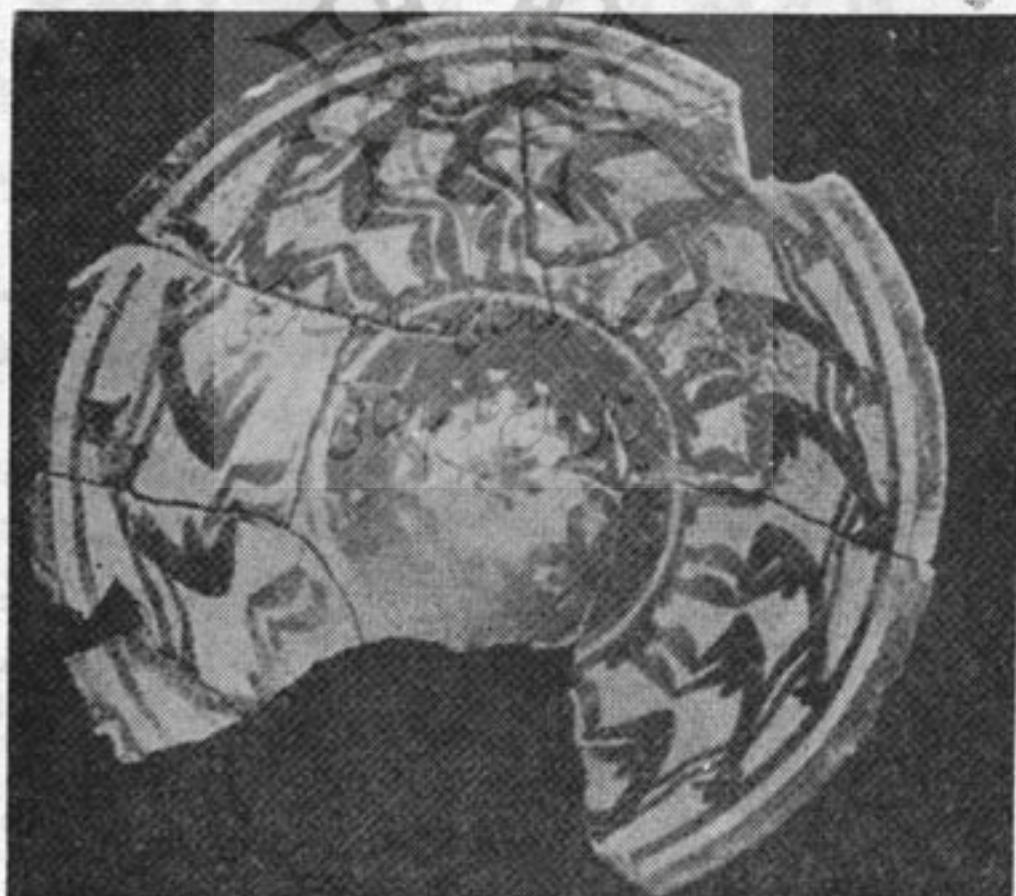


ش ۷- سفال منقوش از تپه سیلک کاشان

که آنهم از تپه سیلک بدست آمده و منسوب به ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد است میتوانیم به بینیم.

نمونه جالب دیگری که اخیراً از «تل جری» در ۱۲ کیلومتری تخت جمشید بدست آمده، ظرف سفالین پایه دار است که بهزاره چهارم پیش از میلاد منسوب است. درپهنه داخلی این ظرف، تصویر گروهی مردان برهنه نقش گردیده که بر دایف پشت یکدیگر بحالت نیم خیز قرار

گرفته، دستهای خود را به پشت طرف مقابل نهاده، بانظم و خضوع تمام در اطراف توده‌یی که میتوان آنرا توده آتش افروخته یا خرمن محصول یا نشانه و سمبل خورشید تصور کرد، پیابکوبی دسته جمعی مشغولند. حالت و حرکت نقوش این ظرف سفالین



ش ۸- ظرف سفالین از «تل جری»

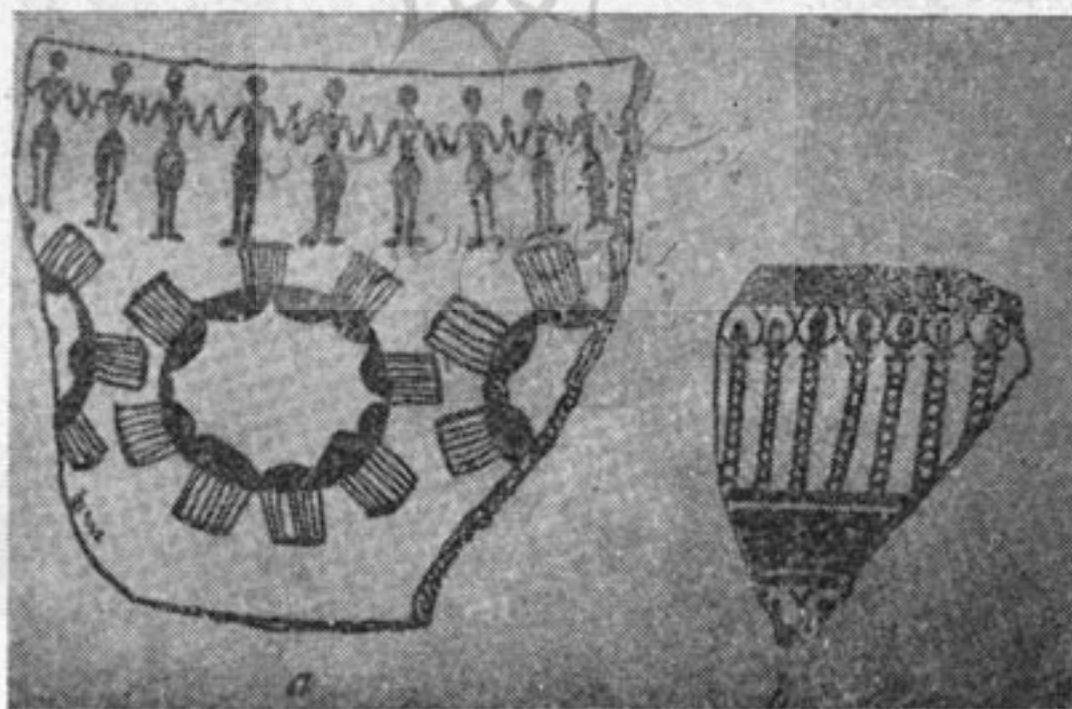


ش ۹

نوع سومی از رقصهای دسته‌جمعی پیش از تاریخ را بر ما روشن می‌سازد (ش ۸ و ۹). نمونه‌های پنجم و ششم سفالینه‌هایی است از تپه موسیان مربوط به فاصله سالهای ۳۶۰۰-۳۳۰۰ پیش از میلاد که اینک هر دو در موزه لوور محفوظ است (ش ۱۰).

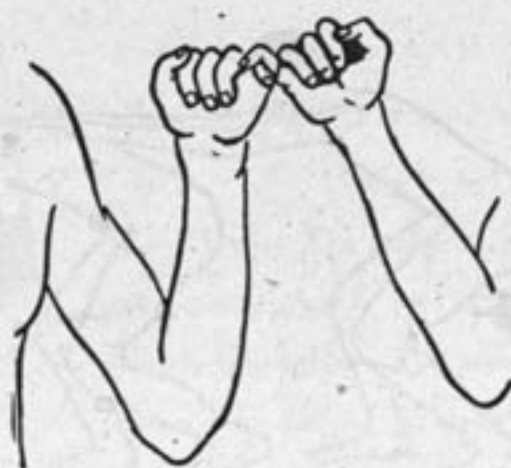
روی قطعه (a) که گویا قسمتی از ظرفی است که در دوران آن این نقش تکرار میشده، گروهی در حال رقص

«دسته‌بند» نموده شده‌اند که در پیشاپیش آنان کوکب‌هایی رسم گردیده که از لحاظ دال‌برهای داخل دایره، بسیار شبیه به نقش وسط ظرف سفالین قبلی است و در اینجا نیز احتمال میتوان داد که منظور از آن نمایش خورشید یا خرمن محصولات بوده است. در این تصویر نیز رقصندگان، عریان و بدون تن‌پوش نشان داده شده‌اند و از طرز حرکات دست و بازوان معلوم میشود که اجراکنندگان، برخلاف حالات قبلی برای تشکیل حلقه رقص با خم کردن بازوان خود از آرنج، دستها یا انگشتان



ش ۱۰ - سفالینه‌هایی از تپه موسیان

کوچک یکدیگر را در بالا ، مجازی شانه های خود ، می گرفته اند . این نوع رقص هنوز هم در میان ارمنی ها و آشوریهای ایرانی و کردها معمول است (ش ۱۱).



ش ۱۱

در قطعه (b) که آن نیز از همان محل و همان زمان است گروه رقصندگان ، بازوان و دستهای خود را بمانند حالت نیایش مردمان پیش از تاریخ ، به بالای سر خود برده اند و چنانکه در تصویر شماره ۱۳ نشان داده شده ، میتوان گمان برد که طرز قرار گرفتن کف دستها یکی از دو صورت منقوش در این تصویر بوده است . نظیر تصاویر این قطعه است ، حالت رقص سه نفری که ، در روی قطعه سفال دیگری از تپه خزینه موسیان نقاشی شده اند و مربوط به اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد و در موزه لوور است (ش ۱۲).



ش ۱۲ - سفالینه از تپه خزینه موسیان

تفاوتی که این تصویر با تصویر قبلی دارد در اینست که ، در تصویر قبلی ، پایین تنه رقص کنندگان ، توسط نقاش استیلیزه شده بحالت تزئینی درآمده است ، در صورتیکه در این قطعه بحالت طبیعی نمایانده شده است .



ش ۱۳

سفال دیگری که از چشمه علی بدست آمده و مربوط به ۳۶۰۰ پیش از میلاد است و اینک جزو مجموعه آقای محسن مقدم است ، نمونه جالب دیگری از رقص های دسته جمعی را نشان میدهد . در این سفال تصویر دو نفر که باغلب احتمال زن هستند ، بحالت رقص نمایانده شده است و حرکات بدن و بازوان و آزادی دستها



ش ۱۴ - سفالی از چشمه علی



ش ۱۵ - سفالی از چشمه علی



ش ۱۶ - سفال منقوش از تپه سلیک کاشان

طرز رقصی را بیان میدارد که در آن حرکاتی اجرا می شده که گرفتن دستها را غیرممکن میساخته است و شاید حالت مذکور مقدمه رقص نمونه (b) است که در آن دست و بازوی رقصندگان در بالا، بطور آزاد قرار گرفته است (ش ۱۴).

در نمونه دیگری که آنهم در چشمه علی بدست آمده و اکنون در موزه «لوور» نگاهداری میشود، تصویر گروهی از زنان با سر بند های بلند مخصوص و لباسهای تنگ کیسه ای در حالت رقص «دسته بند» نقش شده است (ش ۱۵).

در این سفال طرز نقاشی دستها طوریست که میتوان تصور کرد که طرفین، هر دو از وسط یک قطعه دستمال یا پارچه گرفته برقص مشغولند و پیدا است که بدینسان، علاوه بر اینکه حلقه رقص تشکیل و تکمیل میگردد، سهولت حرکات دست و بازو و بدن نیز تأمین میشود.

این موضوع را قطعه سفال دیگری که از تپه سلیک بدست آمده و مربوط بتاریخ ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد است، تأیید می نماید. زیرا آشکارا در نقش این سفال دیده میشود که در دست تشکیل دهندگان حلقه رقص پارچه و دستمال با چیدمان دیگری قرار گرفته است. (ش ۱۶)

لازم است یادآوری شود که هنوز هم گرفتن دستمال در بین دو دست باین صورت که گفتیم در رقصهای دسته جمعی آذربایجانها معمول و متداولست (ش ۱۷). آنچه در اینجا باید افزود



شکل ۱۷

اینست که شباهت محسوسی بین رقص این نمونه با نمونه‌هایی که از تپه سلیک بدست آمده و در آغاز مقاله بدان‌ها اشاره شد، مشاهده می‌گردد و این موضوع خود قرینه‌ایست بر اینکه در بین مردم این دو ناحیه از ایران ارتباط و اتحادی از حیث تمدن و آداب و رسوم وجود داشته است.

نمونه دیگری از رقص‌های پیش از تاریخ ایران، قطعه مفرغی است بشکل انسان که در نهاوند بدست آمده و مربوط به نیمه هزاره سوم پیش از میلادست و اینک در جزو مجموعه پروفیسور هرتسفلد

محفوظ است (ش ۱۸). حالت و طرز قرار گرفتن بازوان این مجسمه مفرغی مارا بیاد رقصهای انفرادی که هنوز هم در اغلب نقاط ایران متداول است می‌اندازد.

باتوجه باینکه رقصهای انفرادی در آن روزگاران بسیار بندرت انجام میگرفت و شاید تنها زنان و رقاصه‌های زیباروی بودند که برای تفریح خاطر رؤسای قبایل و صاحبان قدرت بر رقصهای شهبانگی انفرادی اقدام می‌نمودند، این قطعه مفرغ دومین نمونه از اینگونه رقصها میتواند بشمار آید، زیرا در یک قطعه لوحه سنگی مربع شکل سوراخ‌داری نیز که در شوش بدست آمده (ش ۱۹) و در موزه لوور محفوظ است دو نقش برجسته در بالا و پایین حک شده که نقش بالایی مجلس بز می‌است که در آن دو امیر در سمت راست و چپ بر روی چهارپایه‌هایی نشسته‌اند و دو رقاصه در پیش آنها برقص مشغولند. امیر سمت راست کوبی برای تحسین و تشویق رقاصه‌یی که



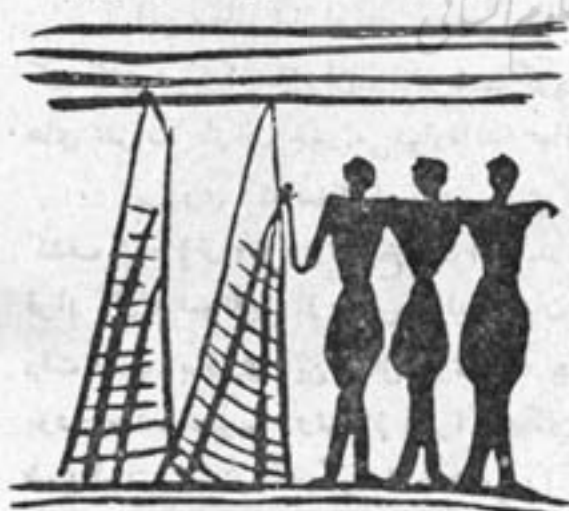
ش ۱۸ - مجسمه مفرغ از نهاوند



ش ۱۹ - لوح سنگی از شوش

در برابرش میرقصد، جام خود را بلند کرده، آماده سرکشیدن است و امیر سمت چپ که از باده سرمست گشته، دست در کمر رقصه انداخته، او را باغوش خود کشیده است. ساقی مجلس نیز زانو زده جام باده را بدست رقصه می‌دهد که آنرا تقدیم امیر مزبور بنماید.

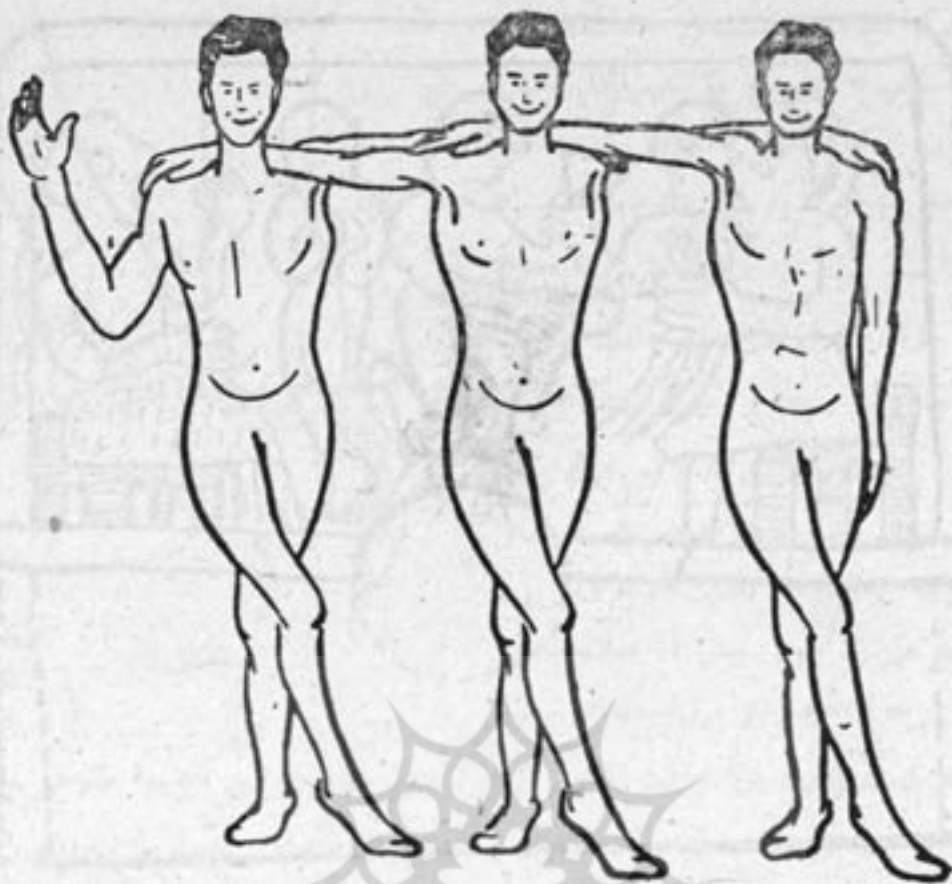
نقوش این قطعه سنگ حجاری شده با اینکه بعلمت ریختگی اندکی مبهم است



ش ۲۰ - قطعه سفالی از «کاسو»ها

ولی در هر حال، ارتباط رقصهای انفرادی را با مجالس بزم و شادی بخوبی نشان داده، تمایز رقصهای انفرادی شهوانی و تفریحی را با رقصهای دسته بنسند مذهبی روشن می‌سازد.

یکی دیگر از نمونه رقصهای این دوره بر روی قطعه سفالی است از «کاسو»ها یا «کاسی»ها که در هزاره سوم پیش از میلاد در شمال



ش ۲۱

ایلام در نواحی کرمانشاه و دره های کوههای زاگرس زندگی میکردند. در این سفال (ش ۲۰) تصویر سه انسان در حال رقص در نزدیکی چادرها یا کلبه های نیی شان، نشان داده شده است.

این سفال نیز از نظر معرفی حالت و نوع دیگری از رقص که در آن اجرا کنندگان هر کدام بازوان را از پشت کردن یکدیگر گذرانیده، دستها را بر روی شانه های نفرات طرفین خود می نهاده اند، جالب توجه است (ش ۲۱).

بر روی تکه سفال کوچک دیگری که بوسیله پروفیسور هرتسفلد در تخت جمشید کشف شده (ش ۲۲) و تاریخ آنرا شاید بتوان در نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد قرار داد، نمونه ای از رقص جالبی نشان داده شده که از چندین لحاظ حائز اهمیت و دقت است. بر روی این سفال دو تکه که پیداست قطعاتی از یک ظرف سفالین بزرگی بوده است، تصویر دو تن از اجرا کنندگان رقص دسته جمعی باقی مانده است که در ضمن گرفتن دست یکدیگر، شاخه هایی را که دارای برک های متقارن است (مانند شاخه درخت عرعر و برک خرما) میان دستهای خود به حالت مستقیم نگاه داشته اند.



ش ۲۲ - تکه سفال نقش دار از تخت جمشید

علاوه بر آن بادقت در نقش سفال مذکور، چنین بنظر میرسد که اجرا کنندگان این رقص دسته جمعی ماسکهایی بصورت خود گذاشته اند که باغلب احتمال شکل کله بز کوهی را با شاخها و گوشهایش نشان میدهد.

اجرای رقص باماسک بز کوهی و شاخه های سبز درختی که دارای برگهای متقارن باشد، ذهن انسان را بی اختیار بیک موضوع مذهبی از این دوره ها منتقل میسازد که نقش آن مکرراً بر روی ظروف و آثار دیگر آن دوره ها نقاشی و حک

شده است و آن تصویر دو بز کوهی (رمز خدای کوهستانها) بحالت ایستاده و نیم خیز در دو طرف «درخت زندگی» است که دارای شاخه ها و تزیینات متقارن است. این نقش یکی از موضوعات بسیار معمولی و متداول آن زمانهاست و بیک عقیده مذهبی عمومی مردم آسیای غربی را بیان و توضیح می نماید (ش ۲۳).



ش ۲۳ - درخت زندگی و بزهای کوهی

از نقش این سفال چنین استنباط

میگردد که اجرا کنندگان این رقص دسته -
جمعی مذهبی در دشت وسیع تخت جمشید و
استخر و مرغاب ، هنگام بهار و فصل تجدید
حیات درختان و گیاهان ، میخواستند
همان صحنه بزهای کوهی و درخت زندگی
را مجسم ساخته ، مجلس جشن و سرور
خود را با رقص و نمایش يك موضوع



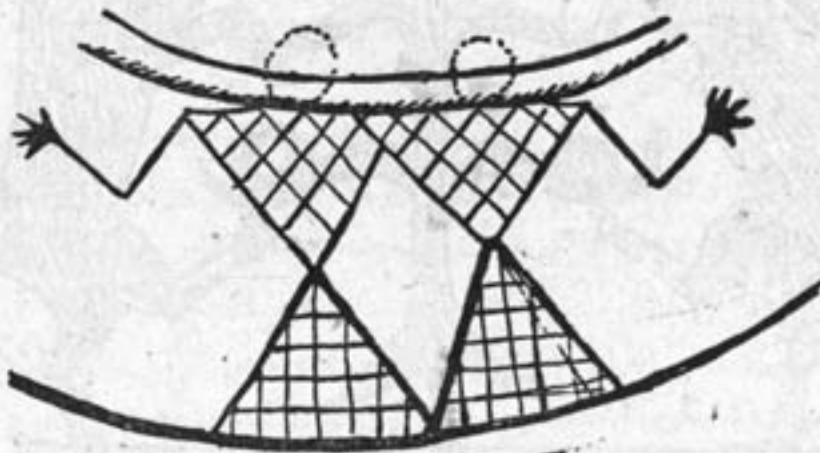
ش ۲۴

مذهبی رونقی داده باشند. بهر حال، موضوع رقص منقوش بر روی این سفال کوچک،
هرچه باشد، از نظر نشان دادن سابقه استعمال ماسک در ایران و استفاده از آن در
اجرای رقص های مذهبی و جشنهای ملی بسیار پراهمیت و قابل مطالعه است .

اخیراً (۱۹۵۴ م.) در بلوک ارسنجان فارس ضمن گمانه زنیها، از تل تیموران،
ظروف گلی منقوش مربوط به فاصله سالهای ۱۴۰۰ و ۱۲۰۰ پیش از میلاد کشف
گردیده است که از آن میان نقوش دو ظرف سفالین سالم، از نظر موضوع این مقاله
شایسته دقت است .

در دور دهانه و قسمت بدنه ظرف خمره‌یی شکلی که - بوسیله خطوط متوازی
متعدد و نقشهای دیگر تزیین شده است - در داخل بعضی از خطوط متوازی، جا بجا ،
مجالسی از يك گونه رقص سه نفری نقاشی و تکرار شده که از حیث طرز قرار گرفتن
دستها و بازوان و چگونگی اجرای رقص عیناً شبیه رقص «کاسوها» (شماره ۲۰ و ۲۱) است
(ش ۲۴) .

مزیتی که نقش این ظرف سفالین بر دیگر نقوش دارد در اینست که در اینجا
برخلاف سایر رقصها که در تشکیل حلقه یا صف و ردیف آنها، تعداد بیشتری شرکت



ش ۲۵

میجستند - فقط سه نفر بطور مستقل برقص و پایکوبی برخاسته‌اند و این موضوع گذشته از این که از خود نقش پیدا است، از حرکت دست نفرات طرفین نیز کاملاً مشهود است، زیرا شکستن بازو از آرنج و بالا نگاه داشتن ساعد، در دوست صف رقص، نشانه تکمیل آنست.

نظیر و همزمان این ظرف است، ظرف سفالین دیگری از همان محل که در دو جا در حاشیه یالبه بیرونی پشت آن، نقش رقص دو نفر با همین اسلوب نشان داده شده است، ولی در این ظرف، نقاش، بعلمت تلاقی سر رقص کنندگان با دوایر و خطوط متوازی پشت ظرف، از ترسیم کله آنان، خودداری کرده و با استیلیزه و ساده کردن تصویرها، جنبه تزئینی مطلق بآنها داده است (ش ۲۵).

از مطالعه در نقوش این دو ظرف تل تیموران فارس، چنین بدست می‌آید که



ش ۲۶ - سر پرچم مهرگی از لرستان

علاوه بر رقصهای «دسته بند» و انفرادی که قبلا برشمردیم ، انواع دیگری از رقص در ایران وجود داشته است که در آن افراد ، دو بدو و سه سه ، بازو در بازوی همدیگر انداخته بیابکوبی می برداخته اند و نیز بگواهی نقوش همین ظروف ، تعداد صف های رقص های سه نفری و دو نفری ذریک مجلس ، متعدد بوده است ، و در این رقص ها - گرچه از نقوش مزبور کاملا معلوم نیست - شاید در هر صف سه نفری يك مرد و دو زن یا دو مرد و يك زن و در رقص دو نفری ، يك مرد و يك زن یا هر دو از ازیك جنس برقص می برداخته اند.

در لرستان از هزاره یکم پیش از میلاد سر پرچم مفرغی مشبکی بدست آمده که اینک جزو مجموعه پروفیسور زاره در موزه لوور محفوظ است (ش ۲۶). در داخل دایره این سر پرچم ، رقص دست بدست چهار نفر با ترکیب بندی بدیع و ماهرانه بی نشان داده شده است. باز در پایه همان سر پرچم که محل گذرانیدن نیزه با چوب پرچم بوده ، مجسمه دو انسان از پهلو در حال رقص دست بدست نمایش داده شده است (ش ۲۷) خوشبختانه از این نمونه حرکات پاها و دستها را بخوبی میتوان استنباط نمود ، باین معنی که پیدا است اجرا کنندگان رقص یکی از پاهارا از زمین بلند و در پشت سر از زانو خم کرده ، در جای دیگری می گذاشتند و سپس با پای دیگر همین عمل را تکرار میکردند تا کم کم حلقه رقص بدور خود چرخیده ، جای رقصندگان عوض میشده است.



ش ۲۷ - پایه سر پرچم مفرغی لرستان

این قطعه که یکی از مدارک ذبیمت درباره رقص میباشد ، معلوم میدارد که در میان اقوام قدیم رقص تاچه اندازه مهم و مورد توجه بوده است که موضوع آنرا در سر پرچمهای خود نیز نقش بسته بنمایش میگذاشته اند.

انسانهای روزگاران کهن - همانطور که خودشان در روی زمین میرقصیدند - معتقد بودند که خدایان نیز در آسمان ، یا در زیر زمین ، برقص میپزدازند و برخی از این اقوام اعتقاد داشته اند که رقص اصولا از اعمال خدایان است که بشر بتقلید آنها ، همان اعمال و حرکات را در روی زمین ، تکرار مینماید و این عقیده را يك قطعه سر پرچم برنزی دیگری که آنهم



ش ۲۸ - سرپرچم برنزی که در لرستان بدست آمده است

در لرستان بدست آمده و از سده هفتم پیش از میلاد و جزو مجموعه آقای ج. ل. وینتروپ است بشبوت میرساند (ش ۲۸).

در این سرپرچم برنزی مشبك، هیکل سه رب النوع شاخدار نشان داده شده که رب النوع وسط که از نظر مقام نسبت بدوتای دیگر در درجه والاتری قرار دارد با بر روی کره خورشید و دوتای دیگر با پرشت دوشیر غران نهاده، دست در دست مشغول رقص میباشند، استعمال کنندگان این سرپرچم گویا باین طریق خواسته اند چرخش و حرکت خورشید را در آسمان از شرق بغرب بصورت يك رقص موزون بیان کرده، نمایش بدهند. بهرسان، این نقش نیز از نظر بیان جنبه مذهبی و خدایی رقص در میان اقوام ایران کهن، شایسته توجه میباشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این است آثاری که بر روی آنها نمونه‌هایی از رقصهای پیش از تاریخ ایران ثبت شده و بنظر نویسنده این گفتار رسیده است ولی از این تاریخ تا دوره مادها و شاهنشاهی هخامنشیان با اینکه مسلماً رقص در میان مردم ایران معمول بوده است متأسفانه نقش و اثری که مبین این موضوع باشد بدست نیامده، یا بنظر نویسنده نرسیده است، و فعلاً قطعات و نمونه‌های فوق با همه قلت تعداد، از نظر بیان سابقه رقص در ایران بسیار گرانبها و مغتنم بوده، امید هست که در حفاریهای جدید نقوش و آثاری بدست آید که مطالعه این امر را بر پژوهندگان این قبیل مطالب آسان گردانیده تاریخچه این هنر را در ایران روشنتر و کاملتر نماید.